

دلیل هفتم) مستفاد از مذاق شارع و تنقیح مناط

مرحوم حلی با اشاره به اینکه این دلیل، یک ادعا می باشد و «عهدتها علی مدعیها» می نویسند:

«ان المستفاد من حرمة القرض الربوی، و حرمة القمار و ما شاکل هذا النوع من المعاملات المنهی عنها فی الشریعة المقدسة، و لو بتنقیح المناط أو استکشاف مذاق الشارع المقدس هو فساد هذا النوع من المعاملة أيضا لاستلزام سد باب التجارة، و التعاوض علی الأموال، بل سد باب الکتب بالأعمال، و الضائع»^۱

توضیح:

۱. مستفاد از مذاق شارع و تنقیح مناط در مسائل ذیل، فساد بخت آزمایی را ثابت می کند:
۲. حرمت قرض ربوی، حرمت قمار و مشابهات این دو.
۳. مناط: آنچه باعث سدّ باب تجارت می شود و باعث سدّ معاوضه می شود و باعث سدّ کسب به وسیله عمل و صنایع می شود [در عبارت «الکتب بالاعمال و الضائع» آمده است که غلط است و مراد «الکسب بالاعمال و الصنایع» است، البته ممکن است کلمه «ضائع» مصحّف «ضیاع» باشد به معنای «ضیعه ها»

(کشت زارها و اموال و دارایی ها)

اما مرحوم حلی از این دلیل پاسخ می دهند:

«الا أن الإنصاف: یقتضی عدم الالتفات الی هذه الدعوی للمناقشة فیها صغری، و کبری. أما الصغری: فلعدم استلزام الیانصیب لشیء من ذلك، و ما نراه من شیوع هذه العملية، و انتشارها و عدم تأثیرها علی شؤون الکسب، و التجارة لأکبر شاهد علی ذلك. و أما الکبری: فلعدم قولنا: بتنقیح المناط، و الخوض فی تلك الشرائع»^۲

توضیح:

۱. اولاً: بخت آزمایی باعث سد این امور نمی شود و بهترین شاهد آن است که اکنون بخت آزمایی هست و تأثیری هم نداشته است.

[ما می گوئیم: اگر توانستیم مناط را کشف کنیم، مناط، عبارت است از «علیت نوعی بخت آزمایی» برای این امور. و لذا با نشان دادن چند مورد نمی توان به «عدم جریان مناط» حکم کرد. چرا که مراد مستدل

۱. بحوث فقهیه، ص ۶۴

۲. همان



می تواند چنین باشد که اگر این کار شیوع پیدا کند، موجب این آثار است و شارع به سبب جلوگیری از شیوع، مطلق این عمل را نفی کرده است.]

۲. ثانیاً: ما اصل تنقیح مناط کردن و خوض کردن در احکام (شرائع) را قبول نداریم.

ما می گوئیم:

۱. ما در جایی، خود درباره صحت «ذوق فقهت» سخن گفته ایم و آن را در صورت وجود شرایط حجت می دانیم.

۲. اما درباره «مناط شارع»، شاید بتوان گفت:

با مراجعه به مباحث مختلف می توان گفت که شارع با خروج جامعه از زندگی عقلایی و رو آوردن به خرافات مخالف است. و آرزو اندیشی و به دست قضا و قدر سپردن امورات را نمی پسندد. تحریم سحر و انواع مختلف آن و تاکید فراوان بر کار و تلاش در حوزه کشاورزی و تجارت و صنعت و نهی از قمار همه با همین مناط قابل تطبیق است.

توجه شود که اگر چه، یک بخت آزمائی (آن هم در کمیته های کم) و یا مراجعه به سحر و یا یک بار قمار کردن - چنانکه گفتیم - غیر عقلایی نیست ولی پذیرش این امور توسط شارع، چون منجر به شیوع آن ها می شود، تحریم مطلق این دسته از مسائل که با روح عقلانیت سازگار نیست، می تواند مورد نظر شارع بوده باشد.

اگر چنین گفتیم، روشن است که می توان مدعی شد، که مناط شارع و حکمت او بر آن استوار است که «اموری که در صورت شیوع، جامعه را از تلاش واقعی و عقلایی دور می کند و به آرزو اندیشی و رمالی و توجه به شانس و بخت می کشاند، ممنوع باشد» (و روشن است که این، همه در بخت آزمائی جمع است چرا که وقتی فردی متکی به شانس خود می شود، قهراً سر از مراجعه به سحر هم درمی آورد)





جمع بندی نوع اول بخت آزمایی (بخت آزمایی متعارف)

۱. با توجه به دلالت ادله تحریم شرط بندی و همسانی هویت شرط بندی و بخت آزمایی، نوع اول از بخت آزمایی، هم حرام است و هم فاسد است و لذا هم فروشنده بلیط (برگزار کننده بخت آزمایی) ضامن وجهی است که دریافت می کند و هم دریافت کننده جایزه، ضامن جایزه است.

۲. ضمان دریافت کننده جایزه، بنا بر مبانی مختلف متفاوت است:

الف) بخت آزمایی دو عقد است (بیع بلیط در ازای شرکت در قرعه کشی، هبه جایزه به برنده)

الف/۱) اگر جایزه از عین مالی است که ثمن بوده است:

در این صورت چون بیع باطل است، لذا فروشنده بلیط، (برگزار کننده بخت آزمایی) مالک ثمن ها نبوده است و در نتیجه فروشنده بلیط، مالک جایزه (که بخشی از ثمن بلیط هاست) نبوده است و لذا هبه باطل بوده است. پس دریافت کننده جایزه (موهوب)، ضامن است [البته بحث در اینکه آیا در اینجا ضمان هست؟ و بر فرض که دریافت کننده ضامن است، به چه کسی بدهکار است (خریداران بلیط یا فروشنده بلیط و یا هر دو)، بستگی به بحث در قاعده «ما لا یضمن بصحیحه لا یضمن بفاسده» دارد.]

الف/۲) اگر جایزه از عین مالی که ثمن بیع بوده، نیست:

الف/۲/۱) جایزه از ابتدا معلوم و معین بوده است (که این صورت متعارف بخت آزمایی است، مثلاً از ابتدا ماشین معینی را نشان می دهند و آن را به عنوان جایزه معرفی می کنند)

الف/۲/۲) فروشنده بلیط، ثمن بلیط ها را دریافت می کند و آن را داخل در مال خود می کند (به نحو کلی، یا به نحو نامعین) و بعد از ذمه خود جایزه را پرداخت می کند.

در این دو صورت دلیلی بر بطلان هبه و در نتیجه ضمان دریافت کننده جایزه وجود ندارد.

ب) بخت آزمایی یک عقد است^۱ در این صورت هم تقسیم بندی قابل جریان است:

ب/۱) اگر جایزه از عین ثمن بیع است:

۱. توجه به ص ۲۰۲ در سننامه



در این صورت بطلان بیع، باعث بطلان جایزه هم می‌شود. و چون جایزه از عین ثمن بیع است، دریافت کننده جایزه، نسبت به همه خریداران بلیط ضامن است.

و در اینجا بحث مجهول المالک مطرح می‌شود. (اگر تعداد خریداران بلیط معلوم نباشند)

ب/۲) اگر جایزه از عین ثمن بیع نیست:

در این صورت، با بطلان بیع، اعطای جایزه هم باطل است و دریافت کننده نسبت به فروشنده بلیط (برگزار کننده بخت آزمایی) ضامن است.

۳. در صورت (ب/۱) اگر جایزه، مجهول المالک شود، احکام مجهول المالک بر آن جاری می‌گردد.^۱

۱. ن ک: تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۸۴، مسئله ۴: القول فی لقطه غیر حیوان